



The Holy City The Encounter of New Traditionalism with Foundations of the Modern Public Law

Mohammad Rasekh¹, Faezeh Karami Kateki²

¹ Professor of Law and Philosophy, Department of Public Law and Economic Law, Law Faculty of Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**), Email: m-rasekh@sbu.ac.ir

² PhD Student in Public law, Department of Public Law and Economic Law, Law Faculty of Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Email: pefakarami@gmail.com

Abstract

The current constitutive elements of public law have evolved in the modern era. Among other things, people are regarded as the true sovereign in the modern public law system, they possess rights, and the government is the representative of the people, with the state bearing the duty to guarantee the fundamental rights of its citizens. However, a version of traditionalism has recently emerged that opposes the core elements and foundations of modern public law, such as the rule of law, checks and balances, the egalitarian basis, and the separation of powers, by proposing the idea of the Holy City. This city has a hierarchical structure in which members do not have equal rights. Certain privileges are granted to individuals based on their position in the hierarchy. The highest position in this hierarchy is the Priesthood, followed by the Kshatriya, who hold both spiritual and temporal powers. It is assumed that the Priesthood is appointed by a divine power. The Kshatriya holds temporal power and must submit to the Priesthood. The Holy City is bound to lead to an absolute monarchy.

Keywords: Modern Public Law, Traditionalism, the Holy City, Hierarchy, Unequal Rights.

Received: 2024/02/17 ; **Revised:** 2024/04/24 ; **Accepted:** 2024/05/16 ; **Published online:** 2024/12/21

How To Cite: Rasekh, Mohammad; Karami Kateki, Faezeh (2024). The Holy City The Encounter of New Traditionalism with Foundations of the Modern Public Law, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 11(4), 1-20. <https://doi.org/10.22091/csiw.2024.10413.2504>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



شهر مقدس

رویارویی سنت‌گرایی جدید و مبانی حقوق عمومی جدید

محمد راسخ^۱، فائزه کرمی کتکی^۲

^۱ استاد گروه حقوق عمومی و حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه:

m-rasekh@sbu.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، رایانامه: pefakarami@gmail.com

چکیده

عناصر فعلی تشکیل‌دهنده حقوق عمومی در عصر جدید تحول یافته‌اند. از جمله، مردم در نظام حقوق عمومی جدید حاکمان اصلی انگاشته می‌شوند، صاحب حق هستند، حکومت نماینده مردم است و دولت وظیفه تضمین حقوق بنیادین شهروندان را دارد. در عین حال، روایتی از سنت‌گرایی نیز اخیراً ظهور یافته است که با پیش نهادن نظریه شهر مقدس، با عناصر اصلی حقوق عمومی جدید و بنیادهای آن‌ها مانند حاکمیت قانون، نظارت و تعادل، مبنای برابری و تفکیک قوا مخالفت می‌کند. این شهر ساختاری سلسله‌مراتبی دارد که اعضایش حقوق برابر ندارند و برای افراد به واسطه عضویت در هر طبقه، امتیازاتی تعریف شده است. بالاترین مقام در این هرم برهمن و پس از آن کشتاریا است که قدرت‌های معنوی و دنیوی را در دست دارند. فرض می‌شود که برهمن منصوب ذات قدسی است. کشتاریا نیز قدرت دنیوی را در اختیار دارد و کاملاً تابع برهمن است. شهر مقدس راهی جز پذیرش سلطنت مطلق پیش‌روی خود ندارد.

کلیدواژه‌ها: حقوق عمومی جدید، سنت‌گرایی، شهر مقدس، سلسله‌مراتب، حقوق نابرابر.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۷؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱
استاد به این مقاله: راسخ، محمد؛ کرمی کتکی، فائزه (۱۴۰۳). شهر مقدس؛ رویارویی سنت‌گرایی جدید و مبانی حقوق عمومی

جدید، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۱(۴)، ۱-۲۰. <https://doi.org/10.22091/csiw.2024.10413.2504>

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

سنت‌گرایی جدید، در واقع، در بستر مدرنیته و در مخالفت با آن متولد شده است؛ مدرنیته‌ای که در آن زنان و مردان به سوژه‌ها و ابژه‌هایی مبدل می‌شوند که قدرت تغییر جهان را دارند (برمن، ۱۳۷۹: ۱۸-۱۴). سنت‌گرایی در واکنش به چنین اعتبار و جایگاهی برای افراد معتقد است که بی‌نظمی بر جهان حاکم شده است و بشر امروز در عصر گناه^۱ به سر می‌برد (Guenon, 2001: 11). از دیدگاه آنان، ضرورت نجات از این دوران تاریک به خلق مفهومی به نام «شهر مقدس»^۲ می‌انجامد، شهری پیراسته از آثار مدرنیته. بر این اساس و در قلمرو نظریه حقوقی، پرسش اصلی در این جستار آن است که نسبت شهر مقدس با مبانی حقوق عمومی مدرن چیست؟

برای پاسخ به پرسش پیش‌گفته در مباحث زیر مفاهیم سنت، ضرورت وجود شهر مقدس، شهر مقدس و مبانی حقوق عمومی مدرن بررسی می‌شوند و در نهایت، موضع سنت‌گرایان نسبت به فردگرایی، حقوق بنیادین شهروندان، حاکمیت قانون و حکومت تبیین و ارزیابی خواهد شد.

۱. از مفهوم سنت تا ایده شهر مقدس

سنت،^۳ در سنت‌گرایی جدید «مرادف آداب، رسوم، عرف و عادت نیست.» (گنون، ۱۳۸۹: ۲۵۱). به عکس، سنت در این مکتب مفهومی عام و جهان‌شمول فرض می‌شود (نصر، ۱۳۸۸: ۱۷۶) که حاصل مزج فلسفه با عرفان است و هم‌زمان متضمن چهار معنای کلی حقیقت الحقایق (نصر، ۱۳۸۴: ۱۵۶-۱۵۵-۲۰-۱۷)، وسیله انتقال حقیقت در شکل قوانین و فنون، جریان یا بستر انتقال (الدومدو، ۱۳۸۹: ۱۵۳-۱۵۲) و جریان پویای انتقال است که با راست اندیشی، مرجعیت معنوی، امر ظاهری و باطنی و استمرار انتقال حقیقت ارتباط دارد. در نهایت، به ادعای ایشان، سنت همان «شجره مبارکه زیتون یا محور اصلی وجود کیهانی است که قرآن» به آن اشاره می‌فرماید (نصر، ۱۳۸۸: ۱۸۳-۱۵۶-۱۵۵).

همچنین، سنت در اندیشه سنت‌گرایان هم‌زمان واحد و متکثر است. به باور ایشان، سنت واحد است؛ زیرا همان حقیقت الحقایق، به منزله یک مفهوم کلی، بوده که به صورت حکمت مقدس متجسم شده و یک‌بار و برای همیشه در اختیار بشر قرار گرفته است (Lakhani, 2010: 60 & 90). هم‌زمان، سنت متکثر است؛ زیرا سنت‌هایی متعدد در جهان وجود دارند. در واقع، هر جامعه‌ای سنت مختص به خود را دارد (الدومدو، ۱۳۸۹: ۱۹۵). در حقیقت، آیا این سخن جهان‌شمولی و یگانگی سنت را به پرسش می‌گیرد؟ جمع‌زدن لازم می‌آید؟ در پاسخ، سنت‌گرایان ادعا می‌کنند که سنت‌های متکثر همگی

1. Kali Yuga.

2. Holy City.

3. Tradition.

تجلی ای^۱ از سنت واحد و ازلی بوده‌اند. عامل پیوند همه این سنت‌ها عنصری درونی، لازم‌انی و بی‌صورت^۲ است (الدومدو، ۱۳۸۹: ۱۵۲-۱۹۵) که به‌نوبه خود حاصل جمع همه صور (سنت‌ها) است (Stoddart, 2008: 47). این عنصر حکمت خالده^۳ نام دارد و همان معرفت^۴ به همه چیز است. درنتیجه، با این عنصر درونی همه سنت‌ها یکپارچه شده (نصر، ۱۳۸۸: ۱۵۸) و سنت واحد شکل می‌گیرد. از دیگر سو، گفتنی است که سنت و دین مترادف انگاشته نمی‌شوند. ذکر این نکته بدان سبب لازم است که مفهوم سنت عموماً در بحث از سنت‌های دینی، مانند سنت اسلامی یا مسیحی به‌کار برده شده، لذا منشأ بروز این اشتباه شده است که سنت و دین یکسان تصور شوند. در حقیقت، سنت از منظر سنت‌گرایان جدید دارای چهار منبع، یعنی وحی، فیض، راه تحقق و عناصر صوری است. منبع چهارم (عناصر صوری) می‌تواند در قالب یک دین و گاه در هیئتی دیگر مانند هنر متجلی شود (الدومدو، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

ازاین‌رو «هر دین بازتاب یک واقعیت مثالی معین» (نصر، ۱۳۸۸: ۵۶۷) و یکی از راه‌های تجلی سنت در جهان ماده است. به دیگر سخن، «هر دینی صدف و گوهری دارد» (شوآن، ۱۳۸۳: ۸۸). گوهر همه ادیان یکی و میان آن‌ها مشترک است، اما صدف هر یک از آن‌ها به اقتضای جامعه خاص خود (زمان و مکان) متفاوت می‌شود. اکنون باید پرسید که اگر سنت عام و جهان‌شمول است و در سراسر جهان مانند نوری حضور دارد، چرا برای انسان سنت‌گرا زندگی در شهر مقدس تجویز می‌شود؟

۱-۱. ضرورت وجود شهر مقدس

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، زندگی در شهر مقدس برای رهایی از عصر گناه توصیه می‌شود. درواقع، سنت‌گرایان از چیستی انسان می‌پرسند (Schuon, 2002: 29). در جست‌وجوی معنایی برای حیات انسانی بر می‌آیند. در این راستا، آنان وجود اعتقادات و ارکانی را برای بشر ضروری می‌دانند که زندگی در شهر مقدس برای حفظ و توسعه آن‌ها ضروری است. در زیر به شرح آن دو و سپس ضرورت شهر مقدس می‌پردازیم.

۱-۱-۱. اعتقادات

سنت‌گرایان جدید معتقدند که انسان سنت‌گرا باورهایی خاص دارد که او را در یافتن و تحقق بخشیدن به معنای زندگی‌اش یاری می‌رسانند (Schuon, 2012: 58) و همچنین او را از انسان مدرن که فقط به امور محسوس نظر دارد، متمایز می‌کنند. آن‌ها شامل باور به این موارد می‌شوند: وجود ذات قدسی، وجود امر

1. Manifestation.

2. Formless.

3. Sophia Perennis.

4. Knowledge.

ظاهری و باطنی و تجلی ذات قدسی، و حیانی^۱ بودن سنت، وجود علم قدسی،^۲ راست اندیش بودن^۳ سنت، و عرفان^۴ یا بیداری کامل.

الف. ذات قدسی: ذات قدسی منشأ همه چیز انگاشته می‌شود، زیرا این ذات هم اول و هم آخر است. اول به این معنا که ذات قدسی تمایل دارد تصویر خود را در دیگر چیزها مشاهده کند و آخر به این مفهوم که ذات قدسی تمایل دارد خودش را در خودش ببیند و جمع این دو وجه این معنا را می‌دهد که همه چیز پیامی از او به خود او است. در نتیجه چیزی غیر از او نیست (Schaya, 2003: 242) و هر چیز اعتباری از ذات قدسی است.

ب. امر ظاهری و باطنی و تجلی ذات قدسی: از دیدگاه سنت‌گرایان جدید، برای هر پیام و حیانی دو حالت ظاهر و باطن وجود دارد (شمخی، ۱۳۹۵: ۱۲۵). ظاهر با چشم سر قابل فهم و باطن با خرد قابل درک است. اما، این بدان معنا نیست که میان ظاهر و باطن تفاوت وجود دارد؛ به عکس، ظاهر و باطن دو قطب ضروری یا نتیجه‌ای از یک قطب هستند که با امتزاج مقدس الزاماً یکی می‌شوند. از این قطب با عنوان اتحاد ذاتی اصول یاد می‌شود (Schuon, 2002A: 83). تجلی نیز از خدا به خدا رفتن و نفی بُعد برای رسیدن به قرب است (Schuon, 1985). تجلی پیامی از آفریننده به خودش است و هر تجلی امر مطلق با خود امر مطلق یکی است (شوآن، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۳) به تعبیر سنت‌گرایان، تجلی مانند موجی است که از اصل ناشی شده و به آن باز می‌گردد (Schuon, 1985: 30).

ج. و حیانی بودن سنت: در این مکتب، انتقال سنت از طریق وحی صورت می‌پذیرد تا بدین وسیله پیام سنت مصون از هرگونه گزندگی باشد (لینگز، ۱۳۸۷: ۲۹). عقل متعالی و انسان با معرفت باطنی خود آشنا شود (Schuon, 1963: 93)، زیرا وحی با ذهن ارتباط مستقیم برقرار می‌کند و از این رهگذر دانش‌های گوناگون را، مانند علم به هستی و زندگی، به او می‌آموزاند. فراتر از آن، وحی تجلی کلان خرد کلی (عقل عقل) است (Herlihy, 2005: 43 & 90).

د. علم قدسی: چنان‌که آمد، وحی متضمن دانشی انگاشته می‌شود که به بشر منتقل می‌شود. سنت‌گرایان جدید این دانش را علم قدسی می‌نامند که متفاوت از علم استدلالی، محصول آزمون و تجربه است. همچنین، به باور آنان، اگر سنت را علم غایی به حق تعریف کنیم، علم قدسی مترادف با مابعدالطبیعه سنتی می‌شود (نصر، ۱۳۸۸: ۲۷۳). بنابراین، در این مکتب، معرفت، علم قدسی و مابعدالطبیعه با یکدیگر مترادف هستند.

ه. راست اندیشی: تاریخ کاربرد اصطلاحات راست آیینی، ارتدکسی، به آیینی یا راست اندیشی به

1. Revelation.
2. Sacred Science.
3. Orthodoxy.
4. Gnosis.

اروپای قرون وسطی باز می‌گردد. اما سنت‌گرایان جدید برای این عبارت معنایی دیگر پیش نهاده‌اند. از نظر آنان، اندیشه‌ی راست و درست اندیشه‌ای است که نوین نیست؛ زیرا حقیقت محصول ذهن انسان نیست، امری قدیم بوده و وظیفه‌ی آدمی است که این حقیقت را کشف و درک کند (گنون، الف ۱۳۸۸: ۸۸). بنابراین، سنت راست اندیش است؛ چون سنت همان حقیقت الحقایق و امری قدیم است. دلیل گمراهی^۱ بشر امروز نیز، از دیدگاه ایشان در این دقیقه نهفته است (Lindbom, 2002: 82).

و. عرفان یا بیداری کامل: ادعا بر آن است که بشر، در نهایت، با کمک باورهای پیش‌گفته در شهر مقدس بیداری تدریجی را کسب و به بی‌نهایت سفر می‌کند (لینگر، ۱۳۸۷: ۲۷)؛ بی‌نهایتی که بیداری کامل به انسان می‌بخشد و انسان همانند قطره‌ای در دریای عمیق می‌شود. این وضعیت همان عرفان است که نور آن در همه موجودات وجود دارد و از حرارتش همه چیز گرمی می‌یابد (Hampate Ba, 2008: 119).

۱-۲-۱. ارکان انسان

دسته دوم ارکان انسان سنتی است که شهر مقدس زمینه بروز آن‌ها می‌شود. نخست، گفتنی است که در نگاه سنت‌گرایی جدید، بشر موجودی عمودی^۲ فرض می‌شود که رو به آسمان دارد (Herlihy, 2005: 83). از این رو، اگر انسان بخواهد به مرتبه‌ی کلمه‌الله نائل شود (شوان، ۱۳۸۳: ۸۷)، باید با نگاهی رو به آسمان از دروازه‌های خلقت عبور کند و به منشأ خود ملحق شود (Schuon, 2012: 58). برای تحقق این امر سنت‌گرایان جدید قائل به ضروری بودن وجود سه رکن جسم^۳ و نفس^۴ و روح^۵ در انسان هستند.

جسم از مجموعه‌ای از سلول‌ها، پروتئین‌ها و عناصری محسوس تشکیل می‌شود که در نگاه سنت‌گرایان دارای دو بعد مهم است: ذهن^۶ و قلب^۷ ذهن کاملاً به قلب وابسته است و خود نمادی از قلب حقیقی است که منشأ حیات و مرکز وجودی انسان است. ایشان از قلب حقیقی با عنوان چشم سوم نیز یاد می‌کنند که محمل خرد است (Herlihy, 2005: 5-7&54-57). اما برای تجربه‌ی بیداری کامل صرف وجود جسم کافی نیست؛ زیرا ضروری است که جسم فنا شود تا بدین وسیله حجاب چهل کنار برود (Schuon, 2012: 58).

رکن دوم یا نفس که علم مدرن قادر به فهم آن نیست، زیرا نمی‌توان آن را با زبان تجربی دنیای مدرن توصیف کرد، جوهر وجودی هر انسان و همان روح است که خداوند در انسان می‌دمد. این رکن برای بقا

1. Heterodox.

2. Vertical Being.

3. Body.

4. Soul.

5. Spirit.

6. Mind.

7. Heart.

به جسم وابسته (Herlihy, 2005: 57&135&130-131). درواقع، تفاوت‌های فردی ناشی از تمایز در انفاس است (Burkhardt, 2002: 47). اما، نفس مقصد نهایی نیست. به‌عکس، نفس پل میانی میان دو دنیا است (Herlihy, 2005: 137) که برای عبور از آن وجود رکن سوم، یعنی روح، ضروری است. روح در سنت‌گرایی جدید مهم‌ترین رکن از ارکان انسان انگاشته می‌شود، زیرا ایشان بر این باورند که ذات باری تعالی مستقیماً روح را لمس کرده است. روح، به این تعبیر، مصون از هرگونه تغییر و مرگ است، نمایانگر سرانجام همه موجودات، فراصورت^۱ و کلی^۲ و عینی^۳ است (Stoddart, 2008: 45) و به‌مثابه دروازه‌ای مخفی است که بشر را به دنیای خیال^۴ می‌برد (Herlihy, 2005: 90). پس از این توضیحات اکنون این پرسش به میان می‌آید که چرا سنت‌گرایان، با وجود باور به جهان‌شمولی سنت، برای تحقق معنای انسان کامل به مفهوم و نهاد شهر مقدس متوسل می‌شوند؟

۱-۳. ضرورت وجود شهر مقدس

پیش‌تر از اعتقادات و ارکان انسان سنتی به اجمال بحث شد. بنا به ادعای سنت‌گرایان، معرفت مدرن بر دوگانه ذهن و ماده استوار است. به دیگر سخن، مبنای شناخت در مدرنیته حواس انسانی است که منحصرأ ماده را شناسایی می‌کند (Lakhani, 2010: 126).

در عالم مدرن، شناخت یادشده، شناخت علمی به شکلی کورکورانه و افراطی تأیید می‌شود. در حقیقت، در بُن این رویکرد، انکار خرد سنتی و مابعدالطبیعه (Lakhani, 2010: 151&151) و غفلت از ذات قدسی است. در سپهر عمومی نیز مدرنیته با حذف دین از گفتمان عمومی به‌سوی سکولاریسم میل کرده است. در نتیجه، تنازع میان قدرت دنیوی و معنوی^۵ با نفی قدرت معنوی مسئله‌ای حل نشده باقی خواهد ماند. نفی خرد و به‌تبع آن مابعدالطبیعه به معنای انکار وجود ذات قدسی، تجلی و امتزاج ظاهر و باطن، توسل انسان به عرفان برای نجات و روح به‌منزله رکن سوم بشر است. همچنین پیش‌تر گفته شد که مفاهیمی از قبیل سنت و دین جهان‌شمول هستند که بر همه قلمروهای فعالیت انسانی، اعم از اقتصاد، سیاست و سایر حوزه‌ها تأثیر گذاشته و آن‌ها را تحت الشعاع خود قرار می‌دهند. به تعبیر سنت‌گرایان، دین همان حلقهٔ کیمیایی است که افراد را به‌رغم تفاوت به یکدیگر پیوند می‌دهد (Lakhani, 2010: 153-154). بر این اساس، در جامعهٔ مدرن تحقق اندیشهٔ سنت‌گرایان میسر نیست، ازاین‌رو، آنان ناگزیر ایدهٔ شهر

۱. در اندیشه سنت‌گرایی فراصورت (Supraformal) یا بی‌صورت (Formless) متضاد صورت (Form) است که به دنیای معنوی تعلق دارد و مخلوق نیست. نک. Schuon, 2002A: 51

2. Universal.

3. Subjective.

4. Imagination.

5. Spiritual and Temporal Power.

مقدس را به میان می‌آورند که خالی و عاری از آثار جامعه مدرن، به‌ویژه عقل‌گرایی باشد. شهر مقدس بدین‌سان ضرورت می‌یابد. باری، ویژگی‌ها یا دقیق‌تر، وجوه تمایز این شهر از جامعه مدرن چیست؟

۱-۲. شهر مقدس

در اینجا، پس از بحث از دلایل ضروری وجود شهر مقدس، مفهوم این شهر را بر می‌رسیم. شهری که سنت‌گرایان آرزومندانه ترسیم می‌کنند بسیار متفاوت با شهر یا جامعه مدرن است. بی‌گمان، شاخصه‌های جغرافیایی، معماری خاص و مانند آن‌ها سبب تمایز این شهر با دیگر شهرها نیستند. مهم‌ترین ویژگی‌های تمایزبخش این شهر را شاید بتوان حاکمیت نظام سلسله‌مراتبی بر مناسبات اجتماعی معرفی کرد (Guenon, 2001: 8-9).

چنان‌که آمد، سنت‌گرایان جدید انسان را موجودی عمودی می‌انگارند. بدین‌سان، به باور ایشان، برای ایجاد توازن^۱ میان بیرون و درون انسان لازم است که بُعد بیرون انسان نیز به شکلی عمودی طراحی شود. بهترین شیوه این کار ترسیم نظام سلسله‌مراتبی با الهام از نظام کاست هندی^۲ برای جامعه است (شوان، ۱۳۸۸: ۶). در این نظام، همانند شیوه مرسوم که در هندوستان وجود داشت، هر فردی در طبقه‌ای متناسب با طبیعت خود قرار داده می‌شود و نقش‌های اجتماعی بر اساس این طبیعت تعیین می‌شوند (گنون، ۱۳۸۸ (الف): ۱۰۶) باید افزود که سنت‌گرایان جدید خود را به قواعد نظام کاست هندی محدود نمی‌کنند، بلکه آن را در معنای کلی می‌پذیرند و اعمال آن را برای نجات از عصر گناه ضروری می‌دانند.^۳ باری، مقصود از طبیعت در این تعیین طبقات چیست؟

مقصود از طبیعت میزان برخورداری انسان‌ها از عقلانیت است (شوان، ۱۳۸۸: ۳۸). به دیگر سخن، طبیعت به کیفیات وجودی انسان‌ها بازمی‌گردد که هرگونه برابری را غیرممکن می‌کند؛ بنابراین، کاست قانون حاکم بر انسان‌ها به تناسب طبیعتشان است (گنون، ب ۱۳۸۸: ۴۳) که بر آن اساس آدمیان به پنج طبقه زیر تقسیم می‌شوند:

برهمن^۴: انسان‌های خردمند که به سمت حکمت و امر مقدس میل می‌کنند.

1. Equilibrium.

۲. نظام سلسله‌مراتبی منحصراً در هندوستان نظریه‌پردازی نمی‌شود. بلکه در یونان نیز وضع بر این منوال بود. افلاطون در کتاب «جمهور» به نظام سلسله مراتب اجتماعی در یونان اشاره می‌کند. برای آشنایی بیشتر، نک. افلاطون، ۱۳۸۹: ۹۵۴-۹۵۵.

۳. یکی از مهم‌ترین اندیشمندان سنت‌گرا که تلاش خود را بر به کارگیری آموزه‌های سنت در عرصه سیاست نمود، اوولا بود که پس از نامیدی از موسیلمانی ایتالیا را به مقصد آلمان ترک نمود. زیرا معتقد بود که قانون کاست در آنجا اعمال می‌شود (نک: Sedgwick, 2004: 104).

4. Priesthood

کشاتریا:^۱ اشخاص جنگجو و اشرافی را می‌گویند.

ویساتریا: اشخاص دارای پشتکار، متوازن و محافظه‌کار هستند که اغلب شامل کشاورزان، صنعتگران و صاحبان حرف می‌شود.

شودراها: اشخاصی که نمی‌دانند چگونه بر هوس خود غلبه نمایند (Schuon, 2002 A: 1-2).

نجنس‌ها: این افراد به دلیل فقدان مرکز خارج از هرم کاست هستند.^۲

آخر، سنت‌گرایان جدید تذکر می‌دهند که طبیعت همواره و به‌خودی‌خود معنای نژاد و طبقه اجتماعی نمی‌دهد. توضیح آنکه، طبیعت تا آنجا موجب تفاوت است که قطب وجودی انسان مطرح نباشد؛ زیرا انسان‌ها در قطب وجودی با یکدیگر یکسان هستند (شوان، ۱۳۸۸: ۳۸-۴۵). اینک، با توجه به ضرورت وجودی و ویژگی‌های شهر مقدس در مجموعه باورهای سنت‌گرایی جدید، باید ابتدا از مبانی حقوق عمومی مدرن و سپس نسبت میان این مبانی و آن شهر پرسید.

۲. مبانی حقوق عمومی مدرن

برای پاسخ به سؤال از نسبت میان سنت‌گرایی جدید و مبانی حقوق عمومی مدرن ابتدا باید به این مبانی اشاره کرد. نخست اشاره شود اگر حقوق عمومی مجموعه‌ای از احکام، عرف‌ها، رسوم، رویه‌ها و نهادها در نظر گرفته شوند که عمل حکمرانی را تنظیم و مقید و حفظ می‌کنند،^۳ این مجموعه با ورود جمع‌های انسانی به وضعیت مدنی (در مقابل وضعیت طبیعی) به تدریج ظهور کرده و در تلازم با اقتدار مرکزی تطور نموده‌اند (راسخ، ۱۳۹۴: ۶۶). از دیگر سو، با رشد و گسترش مدرنیته و جنبش مشروطه‌خواهی، به‌ویژه پس از عصر روشنگری، حقوق عمومی مدرن بر مبانی‌ای خاص بنا شده است که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

حاکمیت قانون: این اصل در واقع در مقابل اداره اختیاری امور عمومی ظهور کرده است. با آنکه اصل حاکمیت ضابطه و قانون بر این اداره از عصر باستان در میان برخی ملل مطرح بوده است، امروزه این اصل در دستگاه جامع نظام مبتنی بر قانون اساسی مطرح می‌شود و بدون دیگر اجزای تشکیل‌دهنده آن نظام قادر به تضمین حق‌های فردی و منافع عمومی در جامعه سیاسی نخواهد بود.

تفکیک قوا: امروزه، معنا و هدف این اصل آن است که قدرت در یک نهاد یا فرد جمع نشود و نهادهای حکومتی بر اساس کارکردهای تخصصی مربوط به وظایف حکمرانی از یکدیگر جدا شوند. مزیت این تفکیک همچنین انجام تخصصی و حرفه‌ای وظایف متفاوت از سوی نهادهای مختلف

1. Keshatriya

۲. کاست مرکز ثقل فردی است و افراد فاقد مرکز فاقد ذهنیت و حدود معین هستند. نک. شوان، ۱۳۸۸: ص ۱۵.

۳. برای نمونه، نک. لاگلین، پیشین، ص ۹۳.

حکومتی خواهد بود (Fairlie, 1923: 399-400).

حقوق بنیادین شهروندان: یکی از مهم‌ترین خصیصه‌ها و از مبانی حقوق عمومی مدرن همان تأمین و حفظ حق‌های بنیادین و برابر شهروندان است (راسخ، ۱۳۹۴: ۶۶-۶۷). برخی از این حق‌ها، مانند حق بر آزادی یا بر پی‌جویی سعادت، غیر قابل سلب هستند (راسخ، ۱۳۹۲: ۲۸۳-۲۸۶). حق‌های مورد اشاره جهان‌شمول بوده و باید مورد حمایت نظام‌های حقوقی قرار گیرد (دبیرنیا و همکاران: ۱۴۰۲: ۲۸) تأمین و حفظ حق‌های یادشده بی‌گمان پرهزینه و در بسیاری موارد به‌منزله حد و قید بر اختیارات و قدرت‌های حکومتی عمل می‌کنند. مهم آنکه، مبنای حق‌مدار نظام حقوق عمومی مدرن به‌نوبه خود، ازجمله، بر فردگرایی و ارزش ذاتی گوهر هر یک از افراد انسانی بنا شده است (راسخ، ۱۳۹۲: ۲۷۰-۲۹۱).

نظارت و تعادل: یکی دیگر از ویژگی‌های مهم و از مبانی اصیل حقوق عمومی مدرن اصل نظارت چندوجهی و چندجانبه بر عملکرد اجزای نظام حکومتی است. این نظام چندجانبه بر اصل پاسخگویی بنا شده است، بدان معنا که هر اختیار و قدرتی همواره باید با شفافیت و پاسخگویی متناسب با آن اختیار و قدرت همراه باشد. نبود چنین پاسخگویی^۱ و نظارت بر اعمال اختیارات بی‌گمان به ناکارآمدی و فساد نظام سیاسی حقوق می‌انجامد. از دیگر سو، نظام نظارت باید به شکل شبکه‌ای در کل ساختار و مناسبات اداری سیاسی منتشر باشد تا به ضد خود بدل نشود (Da rose, Taylor, 2021: 5-7). این نظارت هم در حین انجام عمل و هم پس از انجام قابل انجام است و باید این‌گونه صورت تحقق پذیرد (راسخ، ۱۳۸۸: ۱۶).

اتکا به آرای عمومی: حق بر مشارکت در تعیین سرنوشت مشترک تعبیری دیگر از یکی از مبانی حقوق عمومی است. این حق که برخی آن را حق الحقوق نامیده‌اند (Waldron, 1998: 337-338)، معنایی دیگر به دموکراسی بخشیده و اداره امور عمومی را ملزم به اتکا به آرای عمومی نموده است. بر این اساس، تنها مبنای حقانیت حکومت دموکراسی انگاشته می‌شود (Bellamy, 2013: 1019). مفهوم نمایندگی دولت از مردم در این بافت و زمینه ابداع و عملی شده است و در جای خود مظهر قدرت مؤسس مردم در حیات سیاسی به شمار می‌رود (لاگلین، ۱۴۰۰: فصل‌های ۴-۶).

مبانی یادشده در هماهنگی با یکدیگر در نظامی که امروزه به‌نظام مشروطه مشهور است عمل می‌کنند و آثاری که در پی می‌آیند صرفاً به حاکمیت قانون ارجاع داده نمی‌شود (Steyn, 1999: 4). تأمین مبانی پنج‌گانه و حضور هم‌زمان آن‌ها در نظام سیاسی حقوقی بی‌گمان شرط کارآمدی و پیشرو بودن نظام حقوق عمومی و نظام سیاسی متکی به آن هستند.^۲

1. Acoountability.

۲. برای تبیین پنج اصل بالا، نک. Rasekh, 2016: 259-276.

۳. مواجهه شهر مقدس با حقوق عمومی مدرن

رویارویی یادشده میان سنت‌گرایی جدید و مبانی حقوق عمومی مدرن را می‌توان از تصویری که تاکنون از آن دو ترسیم شده است، مشاهده کرد. در مباحث بعدی با تمرکز بیشتر بر مفهوم شهر مقدس و لوازم نظری آن به این رویارویی خواهیم پرداخت.

۱-۳. فردگرایی

در سنت‌گرایی جدید مفهومی زیر عنوان انسان کامل وجود دارد که حاصل تحقق تام مراتب کثیر وجود است. این مفهوم شامل دو مرتبه ظهور و عدم ظهور (فردی و غیرفردی و مقید و غیرمقید) است (گنون، (ب) ۱۳۸۸: ۵۵-۵۳). درواقع،

فردگرایی عصر جدید بشر را محدود به مراتب ظهور مقید به صورت می‌کند که بدین سبب تحقق مراتب تام کثیر وجود یا انسان کامل ممکن نخواهد بود (Schuon, 2002A: 36). درنتیجه، بنا به ادعای سنت‌گرایی جدید، بشر به اشتباه در مرتبه ظهور فردی اصیل قلمداد شده و به عقل استدلالی او اتکا می‌شود (Lukes, 1971: 47). این انسان منحصرأ به امور محسوس توجه می‌کند (گنون، (الف) ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۹) و درنتیجه منکر مابعدالطبیعه می‌شود (Lukes, 1971: 47). ازاین‌رو، عقل متعالی^۱ مبنای شناخت قرار نمی‌گیرد و به تعالیم دینی (الدومدو، ۱۳۸۹: ۳۱۱) و مرجعیت معنوی شک روا داشته می‌شود (گنون، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

متعاقباً انسان تابع هوای نفس، لحظه (Schuon, 2002B: 7-8) و خود معیار اخلاق می‌شود (گنون، ۱۳۸۸ (الف): ۸۷-۸۶) که این به نوبه خود سرآغاز ناریسیسم است (Schuon, 2002 B: 7-8 & 28). در مقابل، آنان اشاره می‌کنند که تحقق انسان کامل در معنای تمثیلی آن منحصرأ از طریق جمع حاصل می‌شود (گنون، (الف) ۱۳۸۸: ۵۶-۵۵)، زیرا جمع متناسب با طبیعت بشری است و بشر در جمعی به نام خانواده متولد می‌شود (Stoddart, 2008: 103-104). نهایت آنکه، ثمره جمع‌گرایی آن است که دیگر گروه‌ها و جمع‌های ضعیف قربانی جمع‌های بزرگ نمی‌شوند. البته گفتنی است که این جمع‌گرایی برای سنت‌گرایان تا زمانی دارای ارزش و اعتبار است که بستری برای احساس قدسی و زندگی معنوی فراهم کند (الدومدو، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۶۲). بدین‌سان، سنت‌گرایی جدید فردگرایی مدرن را انکار و مفهوم سنتی آن را برابری افراد متعلق به یک نوع (طبقه کاست) در برخورداری از طبیعت واحد بیان می‌کنند (گنون، ۱۳۸۹: ۵۵).

به عبارتی در جامعه مدرن اگر فرد مبنای برخورداری از حقوق است، در شهر مقدس این جمع است که واجد چنین ویژگی است.

۳-۲. حق‌های بنیادین

چنانچه که آمد، فرد در نظام حقوقی مدرن اصیل تلقی شده و کسی را بر دیگری برتری نیست. ثمرهٔ چنین رویکردی، برابری افراد در برخورداری از حق‌ها، فارغ از نژاد و دین و سایر تفاوت‌ها است (دارابی و سعدی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۰۷). همچنین، گفته شده است که در سنت‌گرایی جدید مفهوم فرد منحصرأ در خصوص افراد متعلق به یک طبقه کاسته است و فردیت در شهر مقدس اصالت ندارد، جمع است که دارای پاره‌ای حق‌های غیرذاتی و اعطایی است (شوان، ۱۴: ۱۳۸۸)، اصولاً بشر اصیل تلقی نمی‌شود که به دلیل انسان بودن واجد حق‌هایی باشد (Nasr, 2003: 90-91).

همچنین، در شهر مقدس هرگز برابری محل توجه نیست، زیرا (ادعا می‌شود که) «هم‌ترازی موجب می‌شود که استعدادهای بالاتر نابود شوند» (گنون، ۱۳۸۹: ۶۲). به‌ویژه، بشر موجودی عمودی تلقی شده و شهر مقدس نیز به‌صورت عمودی در نظامی سلسله‌مراتبی طراحی شده است. در نتیجه، افراد نیز در برخورداری از حق‌ها با یکدیگر برابر انگاشته نمی‌شوند و هریک به میزان ظرفیت عقلی خود از این حق‌ها برخوردار هستند. به دیگر سخن، حق‌ها بر اساس طبقات کاست توزیع می‌شوند و عده‌ای از جمعیت شهر به دلیل فقدان مرکز خارج از هرم کاست قرار می‌گیرند و فاقد هرگونه حق.

ملاحظه می‌شود که حق‌های بنیادین شهروندان در شهر مقدس محل توجه نیست و افراد منحصرأ واجد حق‌هایی می‌شوند که به‌واسطه عضویت آن‌ها در طبقات کاست به ایشان تعلق گرفته‌اند. درواقع، مفهوم حق در معنای جدید در شهر مقدس وجود ندارد، بر حق بودن در آنجا هست، نه حق داشتن.^۱

۳-۳. وحی به‌مثابه قانون

در خصوص جایگاه حاکمیت قانون در شهر مقدس، نخست باید گفت که قانون در این شهر رابطه‌ای با رضایت یا عدم رضایت شهروندان به تصویب و اجرای آن ندارد. به‌ویژه آنکه در نگاه سنت‌گرایان جدید عمدتاً سنت‌ها از طریق وحی به بشر رسیده است که این پیام و حیانی دارای دو وجه بیرونی و درونی انگاشته می‌شود. وجه درونی آن حقیقتی است که خبر از واقعیت‌های نهانی می‌دهد و وجه بیرونی آن قانون حاکم بر اجتماع است و عقل استدلالی مکلف به پذیرش آن است (Lindbom, 2002: 83). ازاین‌رو، قانون شهر مقدس از آسمان می‌آید و هرگز مانند قانون در معنای مدرن برآمده از قوه مؤسس و نمایندگی نیست.

همچنین هدف این قانون برقراری تعادل است، به‌ویژه آنکه ادعا بر آن است که قانون در شهر مقدس در موافقت با طبیعت بشری است. برای مثال قانون کاست مبتنی بر طبیعت افراد است که تعادل میان بیرون و درون را برقرار می‌کند؛ بنابراین ادعا می‌شود که با این قانون عدالت برقرار می‌شود.

۱. آشنایی بهتر با مفهوم حق داشتن رجوع شود به: راسخ، ۱۳۹۲: ۸۴.

(Michon, 2002: 226). زیرا عدالت سه مبنا دارد: نخست، منبع طبیعت باشد. دوم، در هماهنگی با طبیعت باشد. سوم، شر زمانی شر محسوب می‌شود که در تعارض با طبیعت باشد (Schuon, 2002: 154). لذا این قانون به‌صورت ناخودآگاه در موافقت با طبیعت بشری بوده، هرگز حفاظت از حقوق شهروندی موضوع آن نیست.

به باور سنت‌گرایان جدید، هر سنتی منحصرأ یک بار پیام وحیانی را دریافت می‌کند؛ در نتیجه، قانون در شهر مقدس ابدی و غیرقابل تغییر است (Schuon, 1985: 9) و فقط در صورتی می‌توان به این قانون اعتراض کرد که مخالف حدود الهی باشد و در غیر این صورت حق بر اعتراض به این قانون اصولاً پیش‌بینی نشده است. به‌ویژه، همان‌طور که گفته شد، پیام وحیانی مصون از هر گزند بوده و سنت پیامی از ذات قدسی به ذات قدسی است و چون مبتنی بر طبیعت بشری است بر فضیلت بنیادین دلالت دارد (Hampate Ba, 2008: 174). در نتیجه، تغییر آن هرگز در شهر مقدس مطرح نمی‌شود، حتی اگر در تعارض با حق‌های اشخاص باشد. آخر، در شهر مقدس حاکمیت قانون با رضایت شهروندان و به‌منظور حفظ حق‌های شهروندان و تأمین خیر عمومی مدنظر نیست، بلکه قانون شهر مقدس در راستای حفظ حقوق الهی و برقراری تعادل به‌خودی‌خود لازم‌الاتباع و لازم‌الاجرا است و شهروندان شهر مقدس مکلف به احترام به این قانون هستند تا با آن به وضع ابتدایی خود رجوع کنند (Michon, 2002: 228).

۳-۴. آرای عمومی

آرای عمومی به‌منزله یک مبنا در نظر سنت‌گرایی جدید به دلایل گوناگون پذیرفته نیست. نخست، در این مکتب اصالت بشر و اتکا به عقل استدلالی قابل‌پذیرش نیست، زیرا بشر هرگز یک انسان کامل نیست. به‌عکس، اشتراکی از ویژگی‌های حیوانی و مقدس و نور و تاریکی است؛ لذا عقل او نیز کامل و قابل‌اتکا نبوده و مدام در حال ارزیابی و گمانه‌زنی است (Burkhardt, 2002: 66&185). بنابراین، تصمیم‌گیری او قابل‌اعتنا نیست.

دوم، آدمی فاقد هرگونه اراده آزاد، به مفهوم مدرنی که ادعا می‌شود است تا بتواند بدان وسیله سرنوشت سیاسی خود را رقم بزند. بلکه تقدیر بشر پیش از خلقت بهشت و جهنم مقدر شده (Schuon, 1985: 107) و اراده افراد در آن نقشی ندارد. البته باید افزود که اراده به‌طور کامل نفی نمی‌شود، به‌عکس، اراده‌ای که هر فرد واجد آن است همان تصمیمی است که نیکی را بر می‌گزیند، به‌سوی ذات قدسی قدم بر می‌دارد و در کار نیکو مشارکت می‌کند. منشأ آن نیز همان نیروی حیاتی^۱ بوده (Herlihy, 2005: 111-112&176-177&179) که همه چیز به‌ویژه امپال انسانی در امتداد آن است.

سوم، همه چیز علی‌الخصوص بشر دارای دو بعد ذات و جوهر است که صرف‌نظر از مفهوم جوهر،

ذات در رد دموکراسی از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و دارای دو وجه کمیت و کیفیت است. کمیت چه متصل (زمان و مکان) و چه منفصل (عدد) از اصالت برخوردار نیست و هرگز نمی‌تواند معیار صحیحی برای سنجش کیفیت (نوع) باشد. به عبارت ساده‌تر، نمی‌توان با اعداد در خصوص کیفیت که مبنای طبقه‌بندی کاست است، اظهارنظر کرد. برای این کار ضروری است که همه موجودات یا انبای بشر از یک نوع باشند که به گفته سنت‌گرایان تحقق وحدت صوری هرگز میسر نیست؛ زیرا افراد در طبیعت متفاوت بوده و منحصر در قطب وجودی با یکدیگر برابر هستند؛ لذا حق رأی برابر بر اساس سنجش عددی قابل‌پذیرش نیست. به این دلیل که حق به‌منزله غلبه کمیت بر کیفیت و تبدیل انسان‌ها به ماشین‌هایی یکسان است که همگی دارای حق رأی برابر هستند (گنون، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۰-۳۰-۲۳).

در نتیجه با توجه به آنکه در دموکراسی اراده آزاد انسان، تصمیم جمعی و اکثریت آرا (راسخ، ۱۳۹۲: ۴۱۴) از اهمیت برخوردار است، لذا قدرت منشأ زمینی دارد و هرگز مطلوب سنت‌گرایان جدید نخواهد بود؛ زیرا قدرت همواره باید از اصول شروع شود (گنون، الف ۱۳۸۸: ۵۲-۱۱۱)، اما چه حکومتی مطلوب سنت‌گرایان است؟

۳-۴-۱. قدرت مؤسس

در سنت‌گرایی جدید، هیچ امر اصیلی جز ذات قدسی پذیرفته نیست، در نتیجه، حاکمیت حقی الهی به شمار می‌آید (Guenon, 2001: 28). میان سنت‌گرایان در خصوص شیوه حکومت اختلاف‌نظر و دودستگی وجود دارد. عده‌ای از آنان از سلطنت دفاع می‌کنند؛ زیرا حاکمیت از آن وجود یگانه است، این شکل از حکومت تحول و تکامل لازم را یافته و منافع و اراده اشخاص در آن تأثیری ندارد (اعتصامی و ماحوزی، ۱۳۹۵: ۱۴۹). به باور آنان حکومت سلطنتی همان دیکتاتوری‌های مستبد و خفقان‌آور نیستند؛ بلکه نوعی حکومت مردم‌سالار فرض می‌شوند که در رأس حکومت شخصی قرار دارد که نماینده دین نیست. عمده‌تاً نیز در کنار سلطان علمایی حضور دارند که به مشاوره در زمینه مذهب می‌پردازند و به صورت غیرمستقیم در جامعه ایفای نقش می‌نمایند (احمدوند و شجاع، ۱۴۰۰: ۱۲۹). عده‌ای دیگر از سنت‌گرایان جدید آریستوکراسی را برای شهر مقدس پیشنهاد می‌دهند (Guenon, 2001: 28). به‌ویژه آنکه عمده‌تاً در نظر آن‌ها حکومت‌های قرون وسطایی عملکرد بهتری دارند. آنجا که کلیسا و پادشاه در هماهنگی کامل با یکدیگر بوده و هر دو به‌منزله نمایندگان خداوند بر روی زمین به بشر امر و نهی می‌کردند و به ندرت ضروری بود که ماهیت معنویات و مشروعیت توضیح داده شود (Stoddart, 2008: 35). از این‌رو، به نظر می‌رسد هر دو شکل حکومت مورد اشاره سنت‌گرایان از شیوه‌ای حمایت می‌کند که مقام سلطنت با اتکا به نظر مقام معنوی عهده‌دار امر حکومت شود. سنت‌گرایان جدید مقام معنوی را برهمین خطاب می‌کنند که واسطه اعمال حق حاکمیت است (شوان، ۱۳۸۸: ۸) و قدرتش به‌صورت مستقیم از منبع ازلی ناشی شده و این شخص واسط میان بهشت و زمین است (Guenon, 2001: 35-36). بنابراین،

قدرت الهی یا معنوی از طریق او اعمال شده و هر حکومتی غیر از او «غصب آغازینی است که راه را برای غصب‌های دیگر باز می‌گذارد.» (گنون، (الف) ۱۳۸۸: ۱۱۳-۱۱۲). ازاین‌رو، حکومت در شهر مقدس یک حکومت عرفی و در بر دارنده نظام‌های اخلاقی متفاوت و رقیب نیست (تیلور و مک‌لور، ۱۳۹۹: ۱۰). نحوه اعمال قدرت او نیز بدین گونه است که او در صورت حکیم کامل با حضور در مرکز چرخ جهان منجر به چرخش آن می‌شود و به دلیل آنکه مرگ و زندگی در نزد او بی‌معنا است و فنای عالم خم به ابروی او نمی‌آورد، لذا ایشان ولی و حاکم بشریت است و به‌منزله میانجی حقیقی میان آسمان و زمین عامل یگانگی آن دو می‌گردد (شوان، (ب) ۱۳۸۸: ۵ و ۱۷۹). جانشین او نیز از طریق انتخاب خود ایشان خواهد بود؛ زیرا او به‌مثابه نماینده خداوند در جهان است و از آنجاکه معرفت همان مبنای اقتدار معنوی بوده و در نزد او به نحو کمال موجود است و سایرین به آن دسترسی ندارند، پس تشخیص انتقال این معرفت به افراد صالح با خود برهمن است تا آن‌ها نیز مانند او معرفت را به‌صورت سلسله‌مراتبی به دیگران منتقل کنند (Guenon, 2001: 20&26).

بدین‌سان، به نظر می‌رسد حکومت مطلوب سنت‌گرایان جدید حکومتی مطلقه است، با آنکه آنان تذکر می‌دهند که قدرت در شهر مقدس به دو صورت دنیوی و معنوی وجود دارد (Guenon, 2001: 15) و برهمن فقط دارای قدرت معنوی است. کشاتریا مستقر در طبقه دوم هرم کاست با ویژگی‌های خرد نافذ، مجاهدت، تحلیل امور و عمل‌گرایی (شوان، ۱۳۸۸: ۹)، قدرت دنیوی یا اجرایی شهر مقدس را در اختیار دارد. این قدرت نیز به سه وظیفه مهم اداری، قضائی و نظامی تقسیم می‌شود. به دیگر سخن، وظیفه تأمین نظم شهر مقدس با این مقام است (Guenon, 2001: 15). پس حکومت مد نظر سنت‌گرایان، نوعی از آریستوکراسی می‌نماید (گنون، (الف) ۱۳۸۸: ۱۱۸) هرچند که این شیوه حکومت آریستوکراسی با وجود نابرابری قدرت میان کشاتریا و برهمن بیشتر به حکومت استبدادی می‌ماند.

نتیجه‌گیری

گفته شد که سنت‌گرایی جدید در بستر مدرنیته و در برابر آن ظاهر شد. این رویکرد و اندیشه بر مخالفت با اصول مدرنیته تمرکز کرد. از دیگر سو، سنت‌گرایی جدید با خلق مفهوم و نهاد شهر مقدس درنهایت در نقطه مقابل مبانی و ارکان حقوق عمومی مدرن به‌ویژه مخالفت با اندیشه برابری خواهی قرار گرفت. توضیح آنکه، بنیاد شهر مقدس بر نابرابری است و افراد هرگز در آن به‌منزله موجودیت‌های اصیل، ذاتاً ارزشمند و برخوردار از حقوق برابر تلقی نمی‌شوند. حتی می‌توان گام را فراتر نهاد و گفت که در شهر مقدس افراد صاحب حقی نیستند، بلکه به‌واسطه تعلق خود به طبقات واجد امتیازاتی هستند. همچنین، چنان‌که گفته شد، در شهر مقدس افرادی در طبقات کاست قرار نمی‌گیرند و از هیچ‌گونه امتیازی برخوردار نیستند.

در شهر مقدس جمع است که اصیل تلقی می‌شود. همچنین، هیچ فردی نمی‌تواند ادعا کند که طبقه حاکم نماینده او است. بلکه فرض می‌شود که طبقه حاکم، یا به عبارت صحیح‌تر فرد حاکم، از سوی ذات قدسی برگزیده شده و مصون از هرگونه خطا در تصمیم‌گیری است. با آنکه ادعا می‌شود که سنت‌گرایان حکومت آریستوکراسی را مطلوب خود می‌دانند، در عمل، با توجه به متابعت کثاتر یا از برهمن، نحوه حکومت در نظر ایشان همان سلطنت مطلقه است که مشروعیت آن از طریق ذات قدسی توجیه می‌شود. افزون بر این، وقتی برهمن خود را منصوب ذات قدسی اعلام می‌کند، مفروض گرفته می‌شود که ایشان دستورات الهی را به بشر منتقل می‌کند، لذا هیچ‌کس اجازه پرسش‌گری از او را ندارد. در عمل، این امر سبب می‌شود که وی همه قوانین جامعه را زیر عنوان قواعدی وحیانی معرفی و منتقل کند و در نتیجه، احدی حق بر اعتراض ندارد.

بر این اساس، آشکار است که شهر مقدس سنت‌گرایان، در تخالف بنیادین با مبانی و نظام حقوق عمومی مدرن، به شکلی سلسله‌مراتبی ترتیب می‌یابد که در این ترتیبات و مناسبات هیچ‌یک از مبانی حقوق عمومی مدرن قابل‌پذیرش و ملاک عمل نیست. نیز می‌توان پرسید که برهمن آیا می‌تواند انتظار داشته باشد که اعضای طبقات زیرین شهر مقدس اصلاً بتوانند انتصاب او از سوی ذات قدسی و توانمندی‌هایش را درک نمایند. در هر صورت، پیروی این اعضا از دستورات برهمن بر چه مبنا و چگونه است؟ آیا آنان، افزون بر پیروی، صاحب استحقاق‌هایی فرض می‌شوند؟ اگر آری، آن‌ها کدامند و بر چه اساس توجیه می‌شوند.

فهرست منابع

- احمدوند، شجاع؛ منصف، شجاع (۱۴۰۰ ش). «دولت و حکومت در اندیشه سیاسی نو سنت‌گرایی»، اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۳۰.
- احمدی، بابک (۱۳۷۴ ش). *مدرنیته و اندیشه انتقادی*، تهران: نشر مرکز، چاپ ۲.
- اعتصامی، مسعود، ماحوزی، رضا (۱۳۹۵ ش). «نظریه دولت در اندیشه سیاسی سنت‌گرایان»، تهران: نشریه دولت پژوهی، شماره ۷.
- افلاطون (۱۳۸۹ ش). *دوره آثار افلاطون*، ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ ۳، جلد ۲-۳.
- برمن، مارشال (۱۳۷۹ ش). *تجربه مدرنیته*، ترجمه: فرهاد مرادپور، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ۱.
- تیلور، چارلز، مک‌لور، جاسلین (۱۳۹۹ ش). *سکولاریسم و آزادی وجدان*، ترجمه: مهدی حسینی، تهران: روزبهان، چاپ ۱.
- دارابی، علی، سعدی‌پور، محمدجواد (۱۳۹۶ ش). «آزادی و حقوق بشر از دو منظر سید احمد فردید و سید حسین نصر»، سپهر سیاست، شماره ۱۳.
- دبیرنیا، علیرضا، طالب، اعظم، موحدی‌پور، احسان (۱۴۰۲ ش). «درآمدی بر نسبت میان نظریه اخلاقی امر الهی و حقوق بشر»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۲.
- الدومدو، کنت (۱۳۸۹ ش). *دین در پرتو فلسفه جاویدان*، ترجمه: رضا کورنگ بهشتی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ ۱.
- راسخ، محمد (۱۳۸۵ ش). «ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون»، تهران: مجلس و پژوهش، شماره ۵۱.
- راسخ، محمد (۱۳۸۶ ش). «مدرنیته و حقوق دینی»، قم: مجله نامه مفید، شماره ۶۴.
- راسخ، محمد (۱۳۸۸ ش). *نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی*، تهران: انتشارات دراک، چاپ ۱.
- راسخ، محمد (۱۳۹۲ ش). «نظریه حق»، در حق و مصلحت، مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، تهران: نشر نی، چاپ ۱، جلد ۲.
- راسخ، محمد (۱۳۹۴ ش). *درس‌گفتارهای فلسفه حقوق و فلسفه حقوق عمومی*، تهران: انتشارات خانه اندیشمندان علوم انسانی، چاپ ۱.
- شمخی، مینا (۱۳۹۵ ش). «جریان‌شناسی باطن‌گرایی در تفاسیر اسلامی»، یزد، دوفصلنامه کتاب‌قیم، شماره ۱۰.
- شوآن، فریتیوف (۱۳۸۳ ش). *اسلام و حکمت خالده*، ترجمه: فروزان راسخی، تهران: انتشارات هرمس، چاپ ۱.
- شوآن، فریتیوف (۱۳۸۸ ش). *کاست‌ها و نزدها*، ترجمه: بابک عالی‌خانی و کامران ساسانی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چاپ ۱.
- علوی‌پور، سید محسن (۱۳۹۵ ش). «مدرنیته و مواجهه فکری ایران با آن»، تهران: پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره ۴.
- کانت، امانوئل (۱۳۷۰ ش). «روشنگری چیست»، ترجمه: همایون فولادپور، تهران: کلک دی، شماره ۲۲.
- گنون، رنه (۱۳۸۷ ش). *نگرشی به مشرب باطنی اسلام و آیین داتو*، ترجمه: دل‌آرا قهرمان، تهران: نشر حکمت، چاپ ۱.

- گنون، رنه (۱۳۸۸ش، الف). بحران دنیای متجدد، الف، ترجمه: حسن عزیزی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ ۱.
- گنون، رنه (۱۳۸۸ش، ب). معانی رمز صلیب تحقیقی در فن معارف تطبیقی، ترجمه: بابک عالیخانی، تهران: سروش، چاپ ۳.
- گنون، رنه (۱۳۸۹ش). سیطره کمیت و علانم آخر الزمان، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ ۴.
- لاگین، مارتین (۱۴۰۰ش). مبانی حقوق عمومی، ترجمه: محمد راسخ، تهران: نشر نی، چاپ ۸.
- لینگز، مارتین (۱۳۸۷ش). عرفان اسلامی چیست؟، ترجمه: فروزان راسخی، تهران: دفتر نشر و پژوهش سهروردی، چاپ ۱.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۸ش). معرفت و معنویت، ترجمه: انشاءالله رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ ۴.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۴ش). «عرفان نظری و تصوف علمی و اهمیت آن‌ها در دوران کنونی»، ترجمه: انشاءالله رحمتی، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱.
- هارت، هربرت لیونل آدولفونس (۱۳۹۵ش). مفهوم قانون، ترجمه: محمد راسخ، تهران: نشر نی، چاپ ۵.

References

- Bellamy, R (2013). Democracy as Public Law: The Case of Constitutional Right, German Law Journal.
- Burkhardt, T (2002). Modern Psychology: Every Branch in Me: Essays on The Meaning of Man, World wisdom, 1st ed.
- Da rose, L., & M. Taylor, M (2021). Checks and Balances: The Concept and Its Implications for Corruption, Revista Direito GV.
- Guenon, R (2001). Spiritual Authority and Temporal Power, (H. D. Fohr, Trans). Sophia Perennis, 1st ed.
- Guenon, R (2004). The Multiple State of the Being, (H. D. Fohr, Trans). Sophia Perennis. 2nd ed.
- Hampate Ba, A (2008). A Spirit of Tolerance: The Inspiring Life of Tierno Bokar, World Wisdom, 1st ed.
- Herlihy, J (2005). Borderland of Spirit; Reflection on a Sacred Science of Mind; World Wisdom, 1ST ed.
- Kundar, N (2019). Undersatanding Nation and Nationalism, Penn State University Press.
- Lakhani, M (2010). The Timeless Relevance of Traditional Wisdom, World Wisdom. 1st ed.
- Lindbom, T (2002). Lucifer Barry: Every Branch In Me: Essays on The Meaning of Man, World Wisdom, 1st ed.
- Lukes, S (1971). The Meaning of Individualis, University of Pennnsylvania Press.
- Maccormick, N (1994). The Concept of Law and The Concept of Law, Oxford Journals of Legal Studies.
- Maritian, J (1950). The Concept of Sovereignty, Cambridge press.
- Michon, J (2002). The Vocation of Man According to the Koran: Every Branch In Me: Essays

- on The Meaning of Man, World Wisdom, 1st ed.
- Nasr, H (2003). The Spiritual and Religious Dimension of the Enviornment Crisis: Seeing God Every Where: Esays of Nature and Sacred,World Wisdom, 1st ed.
- Oren Fitzgerald, M (2010). Frithjof Schuon: Messenger of the Perennial Philosophy,World Wisdom, 1st ed.
- Pallis, M (2002). Do Clothes Make the Man?: Every Branch in Me: Essays on the Meaning of Man, World Wisdom, 1st ed.
- Rasekh, M (2016). Sharia and Law in the Age of Constitutionalism, Journal of Global Justice and Public Policy.
- Schaya, L (2003). Creation, The Image of God: Seeing God Everywhere: Essays of Nature and Sacred, World Wisdom, 1st ed.
- Schuon, F (1985). Dimension of Islam, Suhai Academy, 1st ed.
- Schuon, F (2012). Echoes of Prennial Wisdom, (J,Lafouge and M, Perry, Trans). World Wisdom, 1st ed.
- Schuon, F (2002A). Form And Substance in The Religions, (J,Lafouge and M, Perry, Trans). World Wisdom, 1st ed.
- Schuon,F (2003). Language of the Self, World Wisdom, 1st ed.
- Schuon, F (2002B). To Have a Center: Every Branch In Me: Essays on The Meaning of Man, World Wisdom, 1st ed.
- Schuon, F (1963). Understanding Islam, World Wisdom, 1st ed.
- Sedgwick, M (2004). Against the Modern World, Oxford University Press, 1st ed.
- Steyn, J (1999). The Constitutionalisation of Public Law, Constitution Unit, 1st ed.
- Stoddart, W (2008). Remembering in a World Of Forgetting: Thoughts on Tradition and Postmodernism, World Wisdom, 1st ed.
- Stoddart,W (2002). The Role of Culture in Education: Every Branch in Me: Essays on The Meaning of Man, World wisdom, 1st ed.
- Waldron, J (1998). Participation: Right of Rights, Proceedings of the Aristotelian Society.

Persian Sources

- Ahmadi, B (1374). Modernity and Critical Thought, Tehran: Nashre Markaz Publihing.
- Ahmadvand,Sh.& Monsef, Sh (1400). Government and Governance in Neo-Traditionalist Political Thought, Tehran: The Quarterly Journal of Political Thought in Islam.
- Alavipour, M (1395). Modernity and Iran's Intellectual encounter with it, Tehran: Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences Journal.
- Berman, M (1379). All That Is Solid Melts into Air: The Experience of Modernity, (F. Moradpour, Trans.). Tehran: Printing and publishing organization.
- Dabirmia, A, Movahedipur,E, Taleb, A (1402). The relationship Between the Divine Command Theory and Human Rights, Qom: Comparative Sudies on Islamic and Western Law.
- Darabi, A & Sadipour, M (1396). Freedom and Human Rights from the Perspective of Seyyed

- Ahmed Fardid Seyed Hossein Nasr, Qom: Journal of Iranian Political Research.
- Etesami, M & Mahoozi, R (1395). The Critique of Modern Science and Politics: A Reflection on the Nature of the State in Traditionalist Thought, Tehran: State Studies Journal.
- Guenon, R (1388 A). Crisis of the Modern World, (H, Azizi, Trans). Tehran: Hekmat Publishing.
- Guenon, R (1387). Insights into Islamic Esoterism and Taoism, (D. Qahreman, Trans). Tehran: Hekmat Publishing.
- Guenon, R (1389). The Reign of Quantity & the Signs of the Times, (A. Kardan, Trans). Tehran: Academic Publication Center Publishing.
- Guenon, R (1388 B). The Symbolism of the Cross, (B, Alikhani, Trans). Tehran: Soroush Publishing.
- Hart, H (1395). The Concept of Law, (M, Rasekh, Trans). Tehran: Ney Publishing.
- Jocelyn, M. & Taylor, Ch (1399). Secularism and Freedom of Conscience, (M.Hosseini, Trans). Tehran: Rouzbahan Publishing.
- Kant, I (1370). What Is Enlightenment, (H. Fooladpour, Trans). Tehran: Kalk Day, No.22.
- Lings, M (1378). What is Sufism?, (F. Rasekhi, Trans). Tehran: Sohrevardi Publishing.
- Loughlin, M (1400). The Idea of Public Law, (M. Rasekh, Trans). Tehran: Ney Publishing.
- Oldmeadow, H (1389). Traditionalism Religion in the Light of the Perennial Philosophy, (R. Koorang Beheshti, Trans). Tehran: Hekmat Publishing.
- Plato (1389), Plato: Complete Word, (M. Lotfi, Trans.) (Vol.2, Vol.3). Tehran: Kharaazmi Publishing.
- Rasekh, M (1385). Intrinsic and Transverse Features of the Law, Tehran: Islamic Council Research Center.
- Rasekh, M (1386). Modernity and Religious Rights, Qom: Nameh Mofid.
- Rasekh, M (1388). Supervision and Balance in the Constitutional Law System, Tehran: Derak Publishing.
- Rasekh, M (1392). Theory of Right: Right and Expediency: Articles in Philosophy of Law, Philosophy of Right and Philosophy of Value (Vol. 2). Tehran: Ney Publishing.
- Rasekh, M (1394). Textbook of Discourses on the Philosophy of Law and the Philosophy of Public Law, Tehran: House of humanities thinkers Publishing.
- Schuon, F (1388). Castes and Races, (B. Alikhani & K. Sasaki, Trans). Tehran: Iranian Institute of Philosophy.
- Schuon, F (1383). Islam and the Perennial Philosophy, (F. Rasekhi, Trans). Tehran: Hermes Publishing.
- Shamkhi, M (1395). The Flow of Esotericism in Islamic Interpretations, Meybod: Journal of Ketab-e- Qayyem.
- Nasr, H (1388). Knowledge and the Sacred, (E, Rahamati, Trans). Tehran: Sohrevardi Publishing.
- Nasr, H (1384). Theoretical Gnosis and Scientific Sufism and the Importance of it in Present Era, (E, Rahmati, Trans). Information of Wisdom and Knowledge.